

هنر در سرزمین‌های اسلامی

هنر اسلامی: این اصطلاح بر ویژگی‌های هنر مبتنی بر دین اسلام دلالت دارد، و لزوماً معرف تمامی پدیده‌های هنری مسلمانان نیست. هنر اسلامی، در این معنا محصول تمدنی است که طی چندین قرن در قلمرو وسیع اسلام - از هند تا اسپانیا - شکوفا بود و سنت‌های هنری پایداری نیز به بار آورد. هنر اسلامی دارای ماهیت دینی و معنوی است که نه فقط در بارزترین مظهر آن، یعنی معماری مسجد، بلکه همچنین در عرصه‌های خوشنویسی، هنر تزیینی و هنر تصویری نمایان شده است. با این حال هنر اسلامی بیش از آن که حاوی صور و موضوعات مذهبی باشد، تبلور روح ایمان توحیدی مسلمانان است در قالبی انتزاعی. خوشنویسی والاترین هنر اسلامی به شمار می‌آید، زیرا وسیله‌ای برای تجسم کلام وحی است. هنر اسلامی یکباره با ظهور اسلام پیدا نشد؛ زیرا ساکنان شبه جزیره عربستان، به خصوص قبایل بیابانگرد، سنت هنری خاصی نداشتند، اما از همان ابتدا می‌توان گفت مسجد مدینه ویژگی‌های خاص خود را داشت هر چند به باور عموم ویژگی‌های اساسی هنر اسلامی در حدود یک قرن پس از رحلت حضرت محمد (ص)، و در خلافت امویان (۴۱ - ۱۳۲ق) شکل گرفتند. صنعتگران دوران اموی بیشتر سوری، مصری و ایرانی بودند که براساس سنت‌های خاص خود کار می‌کردند. هنر اسلامی پدیده‌ای است که از بطن اسلام متولد شده و تنها با درک دیانت اسلام قابل شناخت است. هنر اسلامی هنری مذهبی و غیر واقع‌گراست که توجهی به ظاهر عینی طبیعت ندارد بلکه می‌کوشد از سد طبیعت ظاهر گذر کند و به نمایش دنیای مافوق عالم ماده بپردازد. در هنر اسلامی دو رنگ فیروزه‌ای و طلایی اهمیت بسیار دارد. رنگ فیروزه‌ای به عنوان برآیند تمام رنگ‌های جهان و رنگ طلایی به عنوان آرام بخش محسوب می‌شود. هنر اسلامی بیش از همه در معماری مکان‌های مقدس جلوه گر شد، اما خوشنویسی قدسی‌ترین، ممتازترین و شریف‌ترین هنر اسلامی محسوب می‌شود زیرا در کتابت کلام وحی مورد استفاده قرار می‌گیرد علاوه بر این یکی از ویژگی‌های هنر اسلامی استفاده از خط در همه دست ساخته هاست. با این حال هنر اسلامی به معماری و خوشنویسی محدود نمی‌شود و صنایع مستظرفه نیز همه در زمره هنرهای اسلامی قرار می‌گیرند.

مساجد اولیه: مسجد مدینه به قولی اولین مسجد واقعی در اسلام است (البته قبل از آن مسجد قبا ساخته شده بود). درحقیقت حیاط بزرگی بود که ۷۵ درصد بنا را تشکیل می‌داد (هر وجه این مسجد احتمالاً ۵۰ متر). وجهی از این بنای وسیع محصور، به ۹ حجره اختصاص داشت که بیت نبی اکرم (ص) محسوب می‌شد. وجه دیگر آن که رو به قبله (در ابتدا بیت المقدس) قرار داشت ظله یا مکان سایه داری داشت که با دو ردیف ستون از تنه‌های خرما و با سقفی از برگ همین درختان ساخته و گل اندود شده بود. دقیقاً مقابل ظله قبله، ظله دیگری برای عبادت سالمندان و مسکینان ساخته شده بود که نه تنها محل عبادت بلکه محل زندگی برخی از آن‌ها نیز بود. سادگی و انعطاف پذیری این مسجد الگویی برای ساخت مساجد بعدی شد.

برخی از محققان چون کرسول معتقدند خانه پیامبر (ص) به نیت مسجد و عبادتگاه ساخته نشد که به منظور جایگاهی برای زندگی رسول الله بنا گردید. اما روایت‌های متقن تاریخی، که بیانگر استفاده از این بنا برای انجام مناسک روزانه است از یک سو و نیز مرکزیت و محوریت پیامبر برای جامعه اسلامی که ایشان را مرکز ثقل تمامی تحولات سیاسی و اعتقادی جامعه قرار می‌داد، از سوی دیگر، در اینکه این خانه اولین مرکز سیاسی عبادی مسلمین بوده، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد (این بنا در سال ۸۸ هجری قمری توسط ولید بن عبدالملک اموی بازسازی گردید).

عوامل چندی فیزیک معماری و نیز کاربری مساجد را در طول تکوین تمدن اسلامی تغییر داد. فتح سرزمین‌های جدید مسلمین را با معماری‌های شگفت انگیز همراه با مصالحی پایدار و طرح‌هایی دلغریب و جذاب آشنا ساخت. اختلاف این سرزمین‌ها در معماری و طرح اسلوب‌ها، سبک‌های مختلفی را در ساخت مساجد ایجاد نمود. ج. هوگ و هانری مارتن درباره این اختلاف سبک و عوامل ایجاد کننده آن در کتاب سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی تحقیق کرده‌اند. از دیدگاه این محققان گسترش فتوحات اسلامی، فاصله جغرافیایی کشورهای مسلمان و نیز گذشت زمان عوامل ایجاد تغییر در سبک و اسلوب معماری مساجد بود. فزونی یافتن جمعیت مسلمین تخصصی شدن امور با تفکیک مسائل مختلف جامعه و تجزیه تدریجی بسیاری از کارکردهای مسجد عوامل دیگری در جهت ایجاد تغییرات در معماری مسجد بود و الحاقاتی را به مسجد اضافه نمود و بخش‌های مجزایی را برای رسیدگی به امور دیگر پدید آورد.

انگیزه های مذهبی (و البته غالباً سیاسی) از سوی برخی خلفای اسلامی، عامل دیگری در تغییر سبک های معماری از یک سو و شکوه و عظمت معماری مسجد از دیگر سو بود؛ عاملی که به ویژه توسط خلفایی چون عبدالملک اموی، ولید فرزند او و منصور عباسی به شدت تعقیب شد این خلفا معماری را عامل مؤثری در تبلیغات می دانستند و به نقش آن به ویژه در کشورهای مسیحی توجه داشتند. هیلن برنند معتقد است ولید بنای مسجد دمشق را عمداً بر کلیسای یحیای تعمید دهنده بنا کرد تا تأکید کند اسلام جانشین مذاهب گذشته شده است. خلاصه اینکه مسجد دمشق یک بنای پیروزی بود و این پیروزی روزانه ۵ بار بر روی برج های گوشه حصار معبد قدیم تمنوس که به جای مناره برای اذان از آن ها استفاده می شد اعلام می گردید بعدها این معنا توسط امرای دیگر در اقصی نقاط اسلامی به کار گرفته شد به عنوان مثال قطب الدین ایبک به عنوان اولین حاکم مسلمان در دهلی در سال ۱۱۹۳ میلادی مجموعه قوه الاسلام را با منار معروف آن قطب منار (به عنوان نماد پیروزی) با تخریب ۲۷ معبد جین بنیان گذاشت.

همچنین اقتضائات جدید اجزایی را به معماری مسجد افزود مانند محراب یا طاق نمای نماز، منبر، مقصوره یا محصوره (بعد از سوء قصد همزمان به جان حضرت علی (ع) در مسجد کوفه، معاویه در مسجد دمشق و عمروعاص در مسجد فسطاط (قاهره قدیم)، (نرده چوبین که فضای محراب را از صف نمازگزاران جدا می کرد)، ناو (راهرو بالا آمده میانی شبستان)، مناره، صحن، شبستان، حوضخانه و ...

اولین و مشهورترین مساجد ساخته شده در صدر اسلام پس از مسجد پیامبر در مدینه، مساجد فسطاط، قیروان، کوفه و بغداد است. این مساجد بعدها دچار تغییرات مداومی شد، در نتیجه محققان تصویری از طرح اولیه آن ها ندارند، اما تردیدی نیست که این مساجد به علاوه سه مسجد عظیمی که در زمان عبدالملک و ولید (مساجد دمشق، مدینه و قبه الصخره) ساخته شد از روح حاکم بر طرح اولیه بر مسجد پیامبر در مدینه بهره گرفته اند.

هنر اسلامی دوران اموی در سوریه (شام): در دوران امویه (۴۱ - ۱۳۲ ه.ق) معماری سنگی در سوریه رواج یافت و بسیاری از عناصر معماری رومی و بیزانس که بیشتر در آن منطقه متداول بود به معماری مساجد و کاخ ها راه پیدا کرد. کاخ های این دوره از نقشه قلعه های نظامی الگو گرفته و مملو از تزیینات گچبری، موزاییک کاری و نقاشی دیواری است. در دوران خلافت عبدالملک اموی (۷۱۵-۷۰۵ میلادی) و به ویژه (پسرش ولید) ساخت مساجد باشکوه و عظیم باب گردید و مساجدی چون مسجد کبیر در دمشق، قبه الصخره در بیت المقدس و مسجد پیامبر در مدینه ساخته شد (در اصل مسجد و خانه پیامبر در مدینه مورد بازسازی قرار گرفت). مهم ترین بناهای این دوره: مسجد جامع اموی در دمشق، قبه الصخره در قدس، مسجد جامع عمرو در مصر، مدرسه عادلیه و ظاهریه در دمشق.

قبه الصخره: هوگ و هنری مارتن قدیمی ترین شاهکار معماری اسلامی را معماری مسجد قبه الصخره (گنبد سنگی) می دانند بنای این مسجد در سال ۶۹ هجری آغاز و در سال ۷۳ هجری به وسیله عبدالملک اموی پایان پذیرفت. بورکهارت آن را کهن ترین بنای معماری اسلامی می داند که در نهایت کمال به جا مانده است. این مسجد در همان مکانی ساخته شد که روزگاری معبد یا هیکل سلیمان بود؛ مکانی مقدس و مورد احترام یهودیان، مسیحیان و مسلمین (به دلیل ذکر آن در قرآن، محل معراج پیامبر و قبله اول). در تاریخ آمده است چون عمر به درخواست بطریق یونانی به اورشلیم آمد، ابتدا، سراغ معبد سلیمان را گرفت؛ جایی که مسلمین آن را محلی برای معراج پیامبر اکرم (ص) می دانستند. وی دستور داد در همان جا نماز خانه ساده ای ساختند. عبدالملک این نماز خانه را به یکی از شاهکارهای اولیه معماری اسلامی تبدیل کرد.

دیواره استوانه ای تکیه گاه گنبد بر چهار جرز و دوازده ستون و دالان پیرامون آن بر هفت جرز و شانزده ستون که روی هم چهل پایه می شود استوار است. از دیدگاه بورکهارت این چهل پایه با چهل اوتاد در عرفان برابر است.

گفته می شود مسلمانان در ساخت این بنا از روح گنوسی (عرفانی) حاکم بر معماری بیزانس (که آن نیز خود متأثر از مثل افلاطونی بود) و نیز بنیادگذاری مسجدی عظیم که به نحوی بتواند با کعبه برابری کند، متأثر بودند؛ در نتیجه، در ساخت آن از تمامی مبانی نظری و اعتقادی خود بهره جستند. هر چند اعتقاد به مرکزیت جهان در کعبه و مکه متجلی بود اما برخی محققان در تحلیل نظری قبه الصخره معتقدند سازندگان و طراحان این بنا آن را همچون مرکز جهان می دانستند زیرا از یک سو محل قربانی شدن اسماعیل بود (کوه موريا) و از سوی دیگر محلی برای

عروج پیامبر بزرگ اسلام و اول قبله مسلمین. این ویژگی های منحصر به فرد بنایی را می طلبید که به نحوی بتواند نمادی از این معانی قدسی باشد.

این دلایل به علاوه خواست عبدالملک در تغییر محل اجرای مراسم حج از کعبه (بدین دلیل که مکه تحت سلطه رقیبش عبدالله ابن زبیر حاکم مکه بود) به بیت المقدس، می توانست دلایلی موجه برای توجه ویژه خلیفه اموی به ساخت قبه الصخره باشد. الگ گرابار و ریچارد اتینگهاوزن در کتاب هنر و معماری اسلامی مهم ترین ویژگی معماری قبه الصخره را پیروی از شیوه های معماری امپراتوری مسیحی می دانند اما در سه قلمرو یعنی ماهیت تزئین (موزاییک ها که تصویر هیچ ذی روحی بر آن ها نیست)، رابطه بین معماری و تزئین و ترکیب بندی نقشه نما - معتقدند که معماران مستقل عمل کرده اند.

همچنین موزاییک های استفاده شده در معماری قبه الصخره آغازگر و به عبارتی ایجاد کننده دو اصل تزئین در هنر اسلامی است اصل اول بهره گیری انتزاعی از اشکال واقعی و ترکیب تجربیدی از اشکال طبیعی و اصل دوم چند گونهی و تنوع در طرح ها. حضور برجسته این دو اصل رابطه نوینی را بین معماری و تزئین ایجاد نمود که از دیدگاه کسانی چون گرابار و اتینگهاوزن مهم ترین ویژگی هنری قبه الصخره به شمار می رفت. همچنین در طراحی گنبد، طراح مسلمان این مسجد آشکارا از نمونه های مسیحی آن (مثلا گنبدهای کلیسای سان ویتالیه در راونا) فاصله گرفته و به نمای برونی آن بیشتر از نمای درونی توجه کرده است. شاید این توجه ویژه بی ارتباط با نظر سازندگان این بنا نباشد که آن را در سرزمینی با پیشینه یهودی، مسیحی می ساختند و به نحوی دغدغه اعلام برتری دین جدید و پیروان آن را داشتند.

مسجد جامع اموی (مسجد کبیر دمشق): مسجد کبیر دمشق در همان زمینی بنا گردید که در ابتدا معبد هداد (داد) خدای طوفان نزد سامی های غرب (بین النهرین) و بعدها ژوپیتز دمشقی ها (رومی ها) و در آخر کلیسای یحییای تعمیر دهنده بود. ولید ابن بنا و زمین های اطراف را از مسیحیان خریداری کرد و اولین بنای معظم مسجد دمشق را در آن به وجود آورد. این مسجد که بنای آن در سال ۷۰۶ میلادی آغاز شد و در سال ۷۱۴ پایان پذیرفت تمامی عواید هفت سال سوریه را به خود اختصاص داد و بعدها نقش مهمی در تأثیر گذاری بر مساجد عربی ایفا نمود. سرستون های این بنا به شکل کورنتی و در تزئینات از فسسیفا (نقاشی طلایی رنگ) استفاده شده است مسجد جامع دمشق الگوی مسجد جامع زیتونیه در تونس، سیدی عقبه (جامع قیروان) در قیروان و جامع قرطبه در اسپانیا بوده است.

مسجد النبی (مسجد مدینه): مسجد مشهور و مهم دیگری که در زمان امویان و توسط ولید بن عبدالملک در سال ۸۸ هجری بنا گردید، مسجد مدینه است. این مسجد روی بنای اولیه خانه و مسجد پیامبر (ص) ساخته شد. طبری گزارشی از تخریب و بازسازی این مسجد را ارائه کرده است. «اما تخریب مسجد النبی را در صفر ۸۸ هجری قمری (ژانویه ۷۰۷ میلادی) آغاز کردیم. ولید به سرور رومی ها (امپراتور بیزانس) پیام داد که دستور تخریب مسجد النبی را داده است و او باید در بازسازی آن وی را یاری رساند. مشارالیه یکصد هزار مثقال طلا فرستاد و یکصد کارگر اعزام داشت و همچنین چهل بار مکعب های موزاییک فرستاد. او دستور داده بود که برای یافتن مکعب های موزاییک در شهرهای مخروبه بگردند و آن ها را برای ولید بفرستند» همچنین گفته شده است ولید کارگران ماهری را از ایران، هند، مغرب و بیزانس جمع آوری و عواید هفت سال سوریه به همراه بار هجده کشتی طلا و نقره حمل شده از قبرس را هزینه ساخت آن کرد.

برخی محققان بر این قول اند که محراب در معماری اسلامی برای نخستین بار در دیوار رو به قبله این مسجد به کار گرفته شده و به یک عبارت محراب مسجد مدینه اولین محرابی است که در معماری اسلامی ساخته شد. گرابار و اتینگهاوزن ساخت این محراب را (که به تعبیر هوگ و مارتن به دلیل شباهت با معماری عیسویان، مورد مخالفت مسلمانان متعصب قرار گرفت) نمادین کردن جایگاهی می دانند که پیامبر در آن جا به نماز می ایستاده است.

نکته: اولین نمونه کاشی زرین فام از مسجد جامع قیروان به دست آمده است. در مصر و شام هنر شیشه گری رواج داشت که اوج آن مربوط به قرن ۶ تا ۹ ه.ق است. بدیع ترین فرآورده های این رشته چراغ دان هایی بودند که نمونه های فراوانی از آن ها در موزه ها و مساجد بزرگ عالم اسلام موجود است.

هنر دوره عباسی (در عراق): در این دوره عراق مرکز حکومت شد و بناهای آجری رواج یافت و برای تزیین بناها از گچبری به اشکال گوناگون استفاده شد. ساخت پوشش‌های گرد در این دوره نشانی از باز زایی سنت کهن طاق زنی عهد اشکانی و ساسانی است. در حقیقت معماری مکتب عراق در دوره عباسی تأثیرات عمیق هنر ساسانی را در بر دارد. بناهای مهم این دوره: مسجد بزرگ سامرا (مسجد متوکل)، مسجد ابودلف، مسجد ابن طولون، کاخ جوسق‌الخاقانی.

معماری مسجد در دوره عباسی: اختلافات اقلیمی، توجه به بافت جغرافیایی و کثرت روز افزون نمازگزاران، تفاوت‌هایی در ساخت مساجد در دوره عباسی ایجاد نمود. مساجد جامعی که در قرطبه (حدود ۱۷۰ هجری)، قیروان (حدود ۲۲۰ هجری) و تونس (حدود ۲۵۰ هجری) با هدف پذیرش تعداد عظیمی از نمازگزاران ساخته شد، تنها از یک سو سایه بان داشت و از سه جهت دیگر آزاد بود. این وضعیت بنا اجازه می‌داد جمعیت کثیری در صحن مسجد به نماز بایستند به همین دلیل و به عنوان مثال، این معنا در ساخت مسجد سامرا (حدود ۲۴۰ هجری) که در کتب مشهور تاریخ هنر محور و آغاز معماری اسلامی است چنان به اوج رسید که مسجدی با گنجایش یکصد هزار نفر ساخته شد.

مسجد سامرا (متوکل): دارای منار مارپیچ است که در ساخت مسجد ابن طولون و طراحی موزه گوگنهایم نیویورک از منار مارپیچ مسجد سامرا الگو برداری شده است. این مسجد در طول چند قرن بزرگ‌ترین مسجد جهان به حساب می‌آمد. مناره عظیم این مسجد به متوکلیه معروف است و بیش از ۵۰ متر ارتفاع دارد. آجرکاری یکدست از نشانه‌های بارز معماری عباسی است. مناره مشهور حلزونی شکلش به نظر می‌رسد از معماری زیگورات‌های بین‌النهرین و جنوب ایران متأثر باشد. این مسجد، که در نوع خود بزرگ‌ترین مسجد در جهان اسلام با ابعاد ۳۷۶ در ۴۴۴ متر است، شامل یک مناره حلزونی معروف، یک تالار ستوندار با صحن و رواق‌ها، یک محراب با ستون‌های مرمی و موزاییک‌های کف پوش و برج‌های بیرونی بود.

دومین مسجد بزرگ سامرا با عنوان **ابودلف** به بزرگی مسجد المتوکل نبود، اما آن نیز در نوع خود با ابعاد ۳۵۰ در ۳۶۲ متر مسجد بزرگی می‌نمود. این مسجد در قرن ۹ میلادی توسط متوکل در قسمت شمالی سامرا ساخته شد که البته هیچگاه کامل نشد.

مسجد مشهور و مهم **ابن طولون**، در قاهره که دوازده سال پس از اتمام بنای مسجد المتوکل در سامرا بنای آن آغاز گردید، در طرح و مقیاس از مسجد سامرا تقلید نموده است.

در این دوره تغییرات مهمی در معماری مساجد به وجود آمد سقف‌های چوبی که روی قوس‌ها قرار داشتند، به تدریج رواج یافتند. شبستان یا نمازخانه‌های سرپوشیده به معماری مسجد افزوده گردید و با توجه ویژه به مقصوره و محراب بروجه حکومتی و پایگاهی آن برای مشروعیت خلفا و امرا تأکید شد. اما آن چه در این دوره مهم و درخور توجه است اهمیت یافتن مفهوم معماری در وجه زیباشناسی آن و نیز عنصر تزیین است. قوس با توجه به مبانی زیباشناسانه آن به ویژه در ساخت مسجد باشکوه ابن طولون در قاهره به کار گرفته شد و توازنی بدیع در معماری به وجود آورد.

گرابار و اتینگهاوزن معتقدند: بیشتر توازن مسجد از کاربرد هنرمندانه یک قوس نوک دار دو کانونی حاصل شده که به طور ملایم به طرف پایه برگشته است شکل خاصی پدید آورده تا نور را از توالی هماهنگ دهانه‌های باز به دست آورند و کهن‌ترین نمونه تغییرات زیبایی‌شناسی را که با ایجاد مسجد ابودلف (در سامرا) فراهم آمده بود ایجاد کنند.»

از دیدگاه کاوشگران و محققانی چون هرتسفلد و کرسول گچبری‌های تزیینی معماری عباسی سه سبک دارد: سبک اول در چهارچوب‌هایی مشخص و بیشتر در نوارهای دراز که در ضمن‌اشکال هم هستند و گاهی هم در مستطیل‌های ساده و یا چند ضلعی‌ها ظاهر شده است. سبک دوم در بردارنده اشکال و نقش مایه‌های منقور بدون ابزار کمکی با تنوع و چندگونگی زیاد است و سومین سبک دارای طرح قالب بندی شده و مرکب از تکرار موزون بی‌پایان خطوط منحنی همراه با پایانه‌های مارپیچ و در ضمن شیارها و شکاف‌های اضافی، حواشی مرواریدگون و یا عناصر دیگر قابل تشخیص است.

آن چه در دوره عباسی با عنوان تزئین با سبک هایی که گفته شد، اوج گرفت، مقدمه ای تزئین اصیل اسلامی اسلیمی یا آرابسک گردید گرابار و اتینگهاوزن در این باره می گویند بنابراین ویژگی های عمده سومین سبک سامرا، تکرار، یخ کاری، مضامین انتزاعی، پوشش کامل و تقارن است و مفهوم آن فراتر از تزئین معماری عباسی می رود چون این سبک نخستین و از بعضی لحاظ ناب ترین و ساده ترین نمونه نشاط در اندیشه آرایه ای و عمل زیباشناختی است که با عنوان اسلیمی شهرت یافته است. تأثیر آن بلادرنگ بود، چون در گچبری های مسجد ابن طولون و در تعدادی از اشیا ظاهر شد و چندین سده پیاپی به کار رفت.

در تاریخ هنر اسلامی دوره عباسی به لحاظ شکل گیری و تکوین تزئینات وابسته به معماری و توجه به وجوهای زیباشناسانه آن اهمیت بسیار دارد. هنری که در این دوره شکل گرفت، کمتر متأثر از هنر اقوام و ملل دیگر و بیشتر مبتنی بر اندیشه ها، اعتقادات کلامی و عرفانی اسلامی بود. برخلاف هنر دوره اموی، که چندان به تزئین متکی نبود و نیز ماهیتی تقلیدی داشت هنر این دوره نوعی استقلال نسبی را سر لوحه کار خود قرار داده بود. این دوره بنا به تمرکز سیاسی، ثروت زیاد، بازاندیشی فکری و سیاسی نهضت ترجمه و آشنایی با فرهنگ ها و تمدن های دیگر، دوره شکل گیری یک نظام تقریباً واحد هنری است. مساجد مختلف جهان اسلام با توجه به طرح و تزئین مساجد عراق (بغداد و سامرا) بنا می گردید. به عنوان مثال کشفیات باستان شناسی دو محقق برجسته هرتسفلد و فریدریش ساره، ثابت نمود که منشأ ترینات هندسی مسجد ابن طولون در قاهره که یکی از مساجد مهم قرن سوم هجری است سبکی است که در تاریخ هنر اسلامی به سبک منقور سامرا مشهور است. برخی از محققان چون گرابار اتینگهاوزن و کونل این سبک را منشأ عربانه یا اسلیمی می دانند و گرچه محققانی دیگر چون آرتور آپهام پوپ و فیلیس آکرمن منشأ آن را ایرانی و از زمان سلجوقیان به بعد (قرن پنجم هجری) می دانند، اما تأکید بر حضور سبک منقور سامرا در شکل گیری اسلیمی در میان تحقیقات و مطالعات محققان افزون تر است. به ویژه کسانی چون گل رو نجیب اوغلو، نویسنده کتاب هندسه و تزئین در معماری اسلامی، می گوید: «کیفیت بیان بصری انتزاعی که در آن زمان در محیط دربار عباسی پدید آمد، از آن مذهب رسمی (معتزله) تغذیه می کرده است.» هم او و هم ماسینیون، نوعی رابطه جدی بین اعتقادات معتزله که بیانگر ناپایداری و تحول مداوم جسم و به تعبیری تحقیر آن است با نقش های تزئینی و انتزاعی هنر اسلامی در دوره عباسی یافته اند.

مساجد جامع دیگری نیز در سرزمین پهناور اسلامی دوره عباسی ساخته شد؛ چون مسجد جامع قرطبه (۱۷۰ هجری قمری)، مسجد جامع قیروان (۲۲۱ هجری قمری) و مسجد جامع تونس (۲۵۰ هجری قمری) همچنین در ایران و مغرب نیز مساجد جامع باشکوه و معماری های دیگری چون قصور و آرامگاه ها، آغازگر یک معماری بی نظیر و بی بدیل در عرصه هنر اسلامی گشت.

کاخ جوسق الخاقانی (کوشک خاقانی): به دلیل شباهتش به ایوان کسری در تیسفون به قصر الخلفاء یا تیسفون العرب معروف است.

هنر اسلامی هند: از قرن ۷ هجری مهاجرت ایرانیان به هند یک فرهنگ عظیم را به وجود آورد. زبان فارسی رواج یافت و کتاب آرایه رشد کرد به طوری که تعداد نسخه های خطی فارسی تدوین شده در هند بیش از ایران شد. گسترش فرهنگ اسلامی هند پیوسته متأثر از هنر ایرانی بود و اوج آن را در عهد سلسله مغولان مسلمان (گورکانیان) طی سده های ۱۶ و ۱۷م (۱۰ و ۱۱ ه.ق) به موازات سلسله صفوی در ایران می توان مشاهده کرد. لفظ مغول برای ما ایرانیان تداعی گر وحشی گری است اما بعد از ۲۰۰ سال آنان انسان هایی فرهنگ دوست بودند. بنیان گذار این سلسله در هند **بابر** بود. پسر بابر (همایون) از ترس شورشیان به دربار شاه طهماسب پناه برد و با حمایت او قدرت از دست رفته اش را پس گرفت. همایون در ایران تحت تأثیر هنر و ادب صفویه قرار گرفت و زمینه مهاجرت هنرمندان ایرانی را فراهم کرد و با انتقال میرسیدعلی پسر میر مصور و عبدالصمد به هند، **مکتب نقاشی هند و ایرانی** را پایه گذاری شد. پادشاهان بعدی چون اکبرشاه (اکبرکبیر) - جهانگیرشاه و شاه جهان به ترتیب بر کمیت و کیفیت هنر هندو ایرانی افزودند و در عهد شاه جهان به کمال خود رسید. از جمله کتبی که بر اثر تعامل فرهنگی بین هنرمندان ایران و هند به وجود آمد می توان به مرقع گلشن اشاره کرد. در معماری اسلامی هند تلفیقی از دستاوردهای میراث کهن معماری هند یعنی استفاده یکپارچه از سنگ در ساخت و تزئین بنا و ویژگی های معماری ایران چون قوس های جناغی و کتیبه های قرآنی دیده می شود. مثلاً بنای **تاج محل** در شهر آکرا که مقبره ممتاز محل همسر شاه جهان است که بعدها خودش هم در آن دفن شد و به **نمادی از عشق** شهرت دارد تأثیر معماری ایران را بر معماری هندی نشان می دهد.

مکتب نگارگری هندو ایرانی (گورکانی): هنر کتاب آرایی در دربار شاهان مسلمان هند گسترش یافت. حضور (میرسیدعلی) و (عبدالصمد) که توسط همایون شاه به هند انتقال یافتند بر گستردگی نفوذ هنر و فرهنگ ایرانی در هندوستان دامن زدند. از مهم‌ترین کتب و مرقعات مصور شده در این مکتب می‌توان به حمزه نامه، بابرنامه، طوطی نامه، گلستان سعدی و... اشاره کرد علاوه بر کتب مصور، تک چهره سازی از بزرگان و ترسیم گل و گیاه به صورت رقعہ (نقاشی تک برگ) نیز در نقاشی هند سهم چشمگیری داشت. با افول قدرت سلسله گورکانیان طی سده‌های ۱۸ و ۱۹ م هنر نقاشی و کتاب آرایی هند نیز افول کرد و به تدریج شیوه‌های اروپایی جای سنت‌های پیشین را گرفت.

«مختصری از تاریخ حکومت های اسلامی در هند»

اسلام به هند در ابتدا به صورت غیر نظامی و توسط بازرگانان شبه جزیره عربستان و هند به صورت خیلی محدود وارد شد. با یورش سلطان محمود غزنوی به هند، گسترش اسلام فقه حنفی شروع شد. همزمان با غزنویان، حکومت غوریان یا آل شنسب از غور هرات اعلام استقلال کرد. سیف الدین سوری را به عنوان موسس غوریان می‌شناسند که در زمان بهرامشاه غزنوی به جنگ با بهرامشاه پرداخت و کشته شد. برادر سیف الدین به نام علاءالدین حسین به انتقام برادرش به غزنین (پایتخت غزنویان) حمله کرد و غزنین را کاملاً سوزاند (علاءالدین جهانسوز) که بعداً از سلجوقیان شکست خورد و...

غیاث الدین محمد بن سام از غوریان توانست تمام خراسان را فتح کند و مذهب شافعی را گسترش دهد. وی غزنویان را کامل شکست داد و منار جام ولایت را در غور (هرات افغانستان) ساخت که هم برای عبادت به کار می‌رفت و هم راهنمای کاروانیان بود (به علت بلندی اش). این بنا ۶۵ متر ارتفاع و ۹ متر قطر دارد که دومین مناره بلند خشتی جهان بعد از منار قطب دهلی است. در ۸ ضلعی پایین این بنا آیاتی از سوره مریم به خط کوفی به چشم می‌خورد و ۳ کتیبه هم دارد که در یکی شهادتین و در دیگری آیه «نصر من الله و فتح قریب» و در سومی عبارت «سلطان معظم غیاث الدین...»

بعد از او معزالدین محمد بن سام به گسترش فتوحات به سمت هند ادامه داد و دهلی را فتح کرد. در واقع غلام معزالدین به نام قطب الدین ایبک (آیپک) که بعداً سردار نزدیک به او شد و به سبب نزدیکی زیاد به معزالدین لقب معزی گرفته بود و از طرف او حاکم اجمیر شده بود از طرف او به دهلی حمله کرد و دهلی را گشود.

بعد از معزالدین، شهاب الدین و بعد از وی غیاث الدین به حکومت غوریان رسیدند که غیاث الدین، حکومت قطب الدین ایبک را به رسمیت شناخت و به این حکومت معزین گفته می‌شود و از طرفی چون غلامان غوریان بودند به آن‌ها حکومت ممالیک یا غلامشاهیان هم گفته می‌شود. بعد از قطب الدین، جانشینش ایلتمش به حکومت رسید و بعد از آن رکن الدین فیروزشاه اول به قدرت رسید و...

بعد از معزین، خلجی‌ها جانشین آنان شد که جلال الدین فیروزشاه دوم پایه گذار آن بوده به این خاندان هم گاهی ممالیک یا غلامشاهیان گفته می‌شود. مهم‌ترین پادشاه این سلسله، علاءالدین محمد بود که خود را اسکندر دوم نامید؛ و همچنین قطب الدین مبارکشاه و...

بعد از خلجیان، تغلقی‌ها به حکومت رسیدند که غیاث الدین محمد بن تغلق بنیان گذار آن بود و از شاهان معروف آن فیروزشاه سوم (فیروزشاه تغلقی) است.

بعد از آن سلسله‌های افغانی لودی و سوری که لودی با پادشاهی دولت خان لودی می‌باشد که حتی می‌توان آن را جزیی از تغلقیه دانست. حکومت سوری که پادشاه معروف آن فرید خان شیرشاه است که ابتدا حاکم بیهار (شرق هند و چسبیده به بنگال) و مدت کوتاهی در دهلی بود و مقبره او به نام مقبره شیرشاه در سسران در ایالت بیهار معروف است که به سفارش خود او بود و سه ماه بعد از مرگش کامل شد که از باشکوه ترین مقبره های هند است که در زمان تکمیل بزرگ ترین مقبره تمام هند بود و معمار آن میرمحمد علیوال خان است، همچنین آرامگاه عیسی

خان نیازی که از سرداران شیرشاه بود (در دهلی) از آثار مهم این دوره است. و سپس سلسله سادات با پادشاهی خضرخان آغاز می شود و بعد از دوره سادات دوره مغولان مسلمان هند (گورکانیان) شروع می شود.

همزمان با سلسله گورکانیان (بابریان) حکومت های شیعه هم در سرزمین هند تشکیل شده بود. در واقع در قسمت جنوب هند (منطقه دکن) بهمنیان حکومت تشکیل داده بودند که به طور عمده در بیجاپور مستقر بودند. اینان اهل سنت حنفی بودند اما به امامان شیعه ارادت داشتند و شیعیان را گرمی می داشتند. بعد از ضعف و انقراض بهمنیان ۵ حکومت محلی در منطقه دکن تشکیل شد که ۳ تای آن شیعه بودند:

۱. قطب شاهیان: سلطان قلی قطبشاه از شاهزاده های قراقویونلو بعد از غلبه آق قویونلوها بر آن ها، به دکن رفت و در پناه بهمنیان قرار گرفت و سردار بهمنیان شد که با ضعف بهمنیان اعلام استقلال کرد و در سال ۹۱۸ در گدکنده حکومت تشکیل داد.

۲. عادلشاهیان: اینان نیز بخشی از سلطنت بهمنیان بودند که بعداً در بیجاپور حکومت مستقل تشکیل دادند.

۳. نظامشاهیان: که آن ها نیز در احمدنगर از منطقه دکن حکومت تشکیل دادند. علاوه بر این حکومت های شیعه، همزمان با گورکانیان حکومت های مسلمانی در بنگال (غرب هند) تشکیل شده بود. از جمله خاندان الیاس شاهی که توسط حاجی الیاس (شمس الدین الیاس شاه) که در واقع از مسلمانان سیستان در ایران بودند و در بنگال حکومت داشتند (به آن ها ایلپا شاهی هم گفته می شود).

اما با قدرت گرفتن مغولان مسلمان (گورکانیان یا بابریان) به تدریج تمام حکومت های محلی شیعه دکن و حکومت های بنگال از بین رفتند. حکومت گورکانیان شامل: ۱. بابر ۲. همایون ۳. اکبرشاه ۴. جهانگیرشاه ۵. شاه جهان ۶. اورنگ زیب هستند.

معماری اسلامی در هند: مجموعه معماری اسلامی در هند معماری اسلامی در هند با **قطب منار** آغاز می شود؛ منار بلند و با شکوهی که توسط اولین حاکم مسلمان هند در سال های ۵۷۱ - ۵۷۵ هجری در دهلی ساخته شد. قطب الدین ایبک طوایف شمال هند را شکست داده و اولین حکومت مسلمان را تشکیل دهد. پس از فتح دهلی دستور ساخت مجموعه قوه الاسلام را صادر کرد و از آن تأکید بیشتر را بر مناره مسجد گذاشت تا نماد پیروزی اسلام در آن سرزمین باشد. تخریب ۲۷ معبد جین (یکی از مذاهب هندی) و استفاده از مصالح آن برای ساخت مسجد و نیز آوردن ستونی آهنی به طول ۷ متر از یکی از معابد ویشنو و تعبیه آن در یکی از محوطه های مسجد نشان از اعلام پیروزی اسلام در سرزمین هند بود این منار به سبک منار جام در افغانستان و تقریباً هم زمان با آن ساخته شد تا هر دو نماد پیروزی سرداران فاتح آن باشد. این بنا امروزه ارتفاعی حدود ۷۳ متر دارد و بلندترین منار سنگی جهان است. گرابار و اتینگهاوزن سبک این بنا را ایرانی و مصالحش را هندی می دانند طبقه اول این منار با کتیبه های بسیار زیبای قرآنی روی سنگ سرخ در زمان خود قطب الدین و دیگر طبقات آن توسط جانشین او التیتمش و بالاترین سطح آن توسط فیروزشاه ساخته شد.

نخستین عنصر این مجموعه مسجدی است بر پایه پلان قدیمی ستون دار، روی صفحه یک معبد قدیمی هندی. شمس الدین التیتمش مسجد را گسترش داد و آرامگاه خود را در بخشی از آن بنا کرد. در سال ۶۸۹ هجری (۱۲۹۰ میلادی) خلجی ها جانشین معزبان شدند. مهم ترین حاکم دودمان خلجی ها، علاء الدین محمد است که خود را اسکندر دوم می دانست مقبره نظام الدین در دهلی در زمان علاء الدین و پسرش در محله ای ساخته شد که امروزه به نظام الدین مشهور است در تاریخ آمده است دعاهاى نظام الدین شهر را از یورش اقوام شورشی حفظ کرد. به همین دلیل، پس از مرگش مسجد جامعی در آن محل ساخته و مدفن او را به صورت زیارتگاه در آوردند. علاءالدین همچنین بر وسعت مسجد قوه الاسلام افزود و ضمن ساخت علائی دروازه (دروازه علاءالدین)، که بنای مربع شکل بلندی است، تصمیم به ساخت مناره ای دیگر به طول دو برابر منار قطب (یعنی حدود ۱۴۵ متر) داشت اما مرگ علاء الدین ساخت این مناره را که به بیش از هفت متر نرسیده بود، ناتمام گذاشت.

پس از خلجی ها، تغلقی ها در دهلی قدرت را به دست گرفتند. این دودمان که نسبتشان به قاضی مالک تغلق (فرمانده ای ترکی - هندی که از جانب خلجی ها فرماندار مولتان بود) می رسید، حامیان بزرگ فرهنگ و اندیشه و هنر اسلامی محسوب می شوند. اینان در دهلی سه شهر

افزودند: تغلق آباد، جهان پناه و فیروز آباد و چنان در گسترش کیفی و کمی معماری با استفاده از معماران و مهندسان کوشیدند که اولین سبک معماری اسلامی را به نام معماری تغلقلی بنیاد نهادند. در این سبک برخی عوامل بومی مانند ستون ها، شاه تیرها و سگدست ها را با عناصر مشخصه معماری اسلامی در آمیختند. نخستین نمونه معماری آن ها در مولتان پاکستان است این بنا که در سال ۷۲۰ هجری (۱۳۲۰ میلادی) ساخته شده مقبره رکنی، عالم صوفی، است که به همت قاضی مالک تغلق احداث گردید. این بنا از آجر ساخته شده است.

شهر تغلق آباد، امروزه جزئی از دهلی و در ابتدای جاده دهلی به آگرا قرار دارد. این شهر سیزده دروازه داشت، مقبره قاضی مالک تغلق در آن قرار دارد که هر ضلعش شانزده متر دارد و از لاشه سنگ ساخته شده و روی آن را با سنگ های ماسه قرمز و مرمر سفید تزیین کرده اند.

معماری اولیه اسلامی در هند متأثر از معماری پر تجمل و پرزینت هندی (همچون معابد هندو و جین) بود و پر از تزیین با استفاده از نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه نویسی. این مسئله در دوران تغلق ها نیز رواج یافت. جانشین قاضی مالک تغلق فرزندش محمد بن تغلق است (با لقب غیاث الدین) که دژی در نزدیکی تغلق آباد بنا کرد. اما مهم تر از او فیروز شاه است که شهر فیروز آباد را در ده کیلومتری شمال جهان پناه بنا ساخت که از آن تنها ارگ شهر باقی مانده است و سازنده مدارس زیادی نیز هست که مهم ترین آن ها مدرسه ای است که امروزه در محله حوض خاص دهلی قرار دارد؛ بنایی که بزرگ ترین و پیچیده ترین مدرسه این دوره است و در سال ۷۳۰ هجری ابن بطوطه از آن بازدید کرد. کنار این مدرسه مقبره فیروزشاه قرار دارد که شانزده سال پس از مرگ وی، حکومت تغلق ها از هم پاشید. پس از تغلق ها دو خاندان لودی و سادات که از یک سو میراث بر سه خاندان معزی، خلجی و تغلقلی بودند و از دیگر سو پیشگامان فرهنگ، هنر و معماری سلاطین مغول مسلمان هند حکومت را به دست گرفتند. در دوره خاندان های لودی و سادات، ساخت مساجد جامع بزرگ جای خود را به مساجد جدید کوچک تری داد. نخستین این مساجد، مسجد بارا گنبد است که اسکندر لودی در سال ۹۰۰ هجری در بغیجود ساخت.